

بسم الله الرحمن الرحيم

مدرسه علمیه تخصصی فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) آبادان - خوزستان

عنوان مقاله

رابطه سبک های فرزند پروری در شیوه ارتباط والدین با فرزندان

استاد راهنما:

سرکار خانم فیاضی

گردآورندگان :

کوثرطرفی

معصومه بندر پور

چکیده :

خانواده به عنوان نهاد بنیادی اجتماعی نقش کلیدی در تربیت و رشد فرد دارد. رفتارهای اجتماعی، جنسی، اخلاقی و خانوادگی افراد تحت تأثیر محیط خانواده شکل می‌گیرد و والدین به عنوان سرپرستان اصلی، مسئولیت تعیین مسیر رشد و تعالی یا انحطاط فرزندان را بر عهده دارند. انتخاب سبک‌های فرزندپروری مناسب از سوی والدین برای هدایت خانواده به سمت تعالی و جلوگیری از انحطاط آن بسیار حیاتی است. در این مقاله، تأثیر سبک‌های مختلف فرزندپروری بر ابعاد مختلف زندگی فرزندان بررسی می‌شود. سبک‌های فرزندپروری بر اساس مولفه‌های کنترل، محبت، توقع و پاسخدهی به چهار دسته اصلی تقسیم می‌شوند: مستبدانه، سهل‌گیرانه، مقتدرانه، بی‌تفاوت. نقش والدین در ایجاد محیطی امن و حمایتی، به ویژه در زمینه‌های اجتماعی، جنسی و شخصیتی فرزندان، بسیار مهم است. والدین باید با تعیین قوانین منطقی و ایجاد فضایی محبت‌آمیز، فرزندان را برای مواجهه با چالش‌های زندگی آماده کنند. این مقاله با استناد به منابع علمی و مقالات مختلف، به تحلیل آثار سبک‌های فرزندپروری بر روابط والدین و فرزندان و تأثیرات آن بر کیفیت زندگی فرزندان می‌پردازد. در نهایت، تأکید بر اهمیت تعادل در ارائه محبت و انضباط، به عنوان کلید موفقیت در تربیت فرزندان، در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کلید واژه ها :

سبک، فرزند، خانواده

## مقدمه :

خانواده به عنوان نهاد بنیادی اجتماعی، نقش محوری در تربیت و رشد فرد ایفا می‌کند. رفتار هر فرد در حوزه‌های مختلف زندگی، از جمله اجتماعی، رفتاری، جنسی، اخلاقی و خانوادگی، تحت تأثیر محیط خانواده شکل می‌گیرد. در این ساختار، والدین به عنوان سرپرستان اصلی خانواده، مسئولیت تعیین مسیر رشد و تعالی یا انحطاط خانواده را بر عهده دارند. آنها با انتخاب شیوه‌های تربیتی خاص، تأثیر قابل توجهی بر افکار و رفتار فرزندان خود می‌گذارند. با ورود فرزندان به خانواده، یک رابطه تعاملی میان والدین و فرزندان شکل می‌گیرد که این تعامل نیز در تعیین مسیر رشد خانواده تأثیرگذار است. به عبارت دیگر، رفتار فرزندان نیز در این فرآیند نقش ایفا می‌کند و اهمیت آن نمی‌تواند نادیده گرفته شود. بنابراین، انتخاب سبک‌های مناسب فرزندپروری توسط والدین از اهمیت بالایی برخوردار است. این انتخاب باید به گونه‌ای باشد که خانواده را به سمت تعالی هدایت کرده و از انحطاط آن جلوگیری کند. هر سبک رفتاری که والدین در تربیت فرزندان خود انتخاب می‌کنند، تأثیر مستقیمی بر آینده اجتماعی، جنسی، روانی و شخصیتی فرزندان دارد و به طور قابل توجهی شخصیت آنها را شکل می‌دهد. در مقاله حاضر، تلاش شده است تا با استناد به منابع علمی و مقالات مختلف، از جمله مقاله‌ای با عنوان “کیفیت ارتباط والد-فرزند: پیش‌شرط تربیت دینی فرزندان”، به بررسی تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر ابعاد مختلف زندگی فرزندان پرداخته شود. با این حال، در مقالات مشابه، به‌طور مستقیم و صریح به تأثیر این سبک‌ها بر کیفیت زندگی فرزندان اشاره نشده است. بنابراین، هدف این مقاله ارائه تحلیل‌هایی است که به آثار سبک‌های مختلف فرزندپروری بر روابط والدین و فرزندان پرداخته و به درک بهتر این مقوله کمک کند.

## تعریف تربیت

تربیت به معنی پروریدن و پروراندن از ماده ربوا است و این لغت به معنای بالا رفتن و اوج گرفتن و افزودن و رشد کردن است. و در اصطلاح به معنی کوششی است جهت ایجاد دگرگونی مطلوب در فرد و به کمال رساندن تدریجی و مداوم او. هر کدام از فلاسفه و علمای اخلاق روانشناسان یا رفتارشناسان

جامعه‌شناسان و دانشمندان تعریف خاصی از تربیت را ارائه دادند، به عنوان نمونه، تربیت از دیدگاه گروه اول، یعنی ایجاد تغییرات در فرد در حد کمال است، رساندن جسم و روح است به بالاترین پایه جهان و کمال. و از دیدگاه روانشناسان عملی است عمدی و آگاهانه و دارای هدف از سوی فردی بالغ به منظور ساختن، پروراندن و دگرگون کردن فرد. (غلامی، ۱۳۶۸)

تربیت عملی است که از طریق نسل بالغ دربار آنها که رشد کافی نیافته اند به منظور پرورش جسمی، فکری و اخلاقی شان انجام می شود، تا آنها را برای عضویت در زندگی انسانی آماده کند.

تربیت عبارت است از پرورش قوای جسمی و روانی انسان برای وصول به کمال مطلوب، انتقال تفکر، احساس و عمل جامعه به آیندگان.

تربیت عبارت است از یک عمل عمدی و آگاهانه و دارای هدف که به منظور رشد دادن، ساختن، دگرگون کردن و نیز شکفتگی استعداد های مادرزادی او انجام میشود. (قائمی امیری، بی تا، ص ۱۶)

سوره تحریم، آیه ۶: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا"

این آیه تأکید بر تربیت صحیح و حفاظت از خانواده در برابر آسیبها دارد.

انواع سبک های فرزند پروری

دیدگاه ها و نظریه های مختلفی در خصوص تقسیم بندی سبک های فرزند پروری وجود دارد که ما طبق چهار مولفه کنترل، محبت، پاسخدهی و توقع، میتوانیم تقسیم بندی زیر را به ترتیب زیر ارائه دهیم :

سبک مستبدانه

الگوی این سبک ( کنترل زیاد\_محبت کم\_پاسخدهی پائینی\_توقع بالا) است.

این گروه از والدین کنترل زیادی دارند و محبت کمی ابراز می کنند. در این خانواده ها اغلب قدرت در دست یکی از والدین است که بدون نظر خواهی از فرزندان قواعدی تعیین می کند و فرزندان را به اطاعت بی چون و چرا از آنها مجبور می کنند. آنها به نیازها و احساسات فرزندان خود توجه ندارند و در بازخورد دادن، انعطاف به خرج نمی دهند و ممکن است از روش های تنبیهی زیادی استفاده کنند. اگر والدین مستبد پذیرش بالایی داشته باشند و فرزندان را همان طور که هستند، بپذیرند و به

آن‌ها ابراز علاقه کنند، به سمت الگوی مقتدرانه نزدیک می‌شوند؛ اما اگر طردکننده باشند، از روش‌های تنبیهی مانند تحقیر، طرد، پرخاشگری کلامی (مانند توهین)، انتقاد، برچسب زدن و پرخاشگری غیر کلامی (کتک زدن و تنبیه‌های بدنی) استفاده می‌کنند و فرزندانی با عزت نفس پایین را پرورش می‌دهند. در مجموع والدین خودکامه بر اطاعت تاکید دارند و از زور برای مهار اراده شخصی کودکان، مطیع نگه داشتن آنان و نیز از روش انضباطی سختگیرانه استفاده می‌کنند، چرا که خود نیز این گونه پرورش یافته‌اند. (قهاری، ۱۴۰۰، ص ۶۳)

والدین استبدادی می‌کوشند رفتار و نگرشهای فرزندانشان را بر اساس مجموعه‌ای از معیارها که به وسیله یک حالت سلطه مدار هدایت میشود، شکل داده و کنترل و ارزیابی کنند. این افراد شیوه محدود کننده‌ای را در پیش میگیرند و کودک را مجبور به پیروی از دستورات و احترام به کار و اعمال خود میکنند. والدین استبدادی، محدودیت‌ها و کنترل‌های ثابتی بر روی کودک با بیانات کلامی خیلی کم را اعمال میکنند فرزندان آنها کارایی اجتماعی خیلی کمی دارند و اغلب مضطرب بوده و دارای مهارتهای اجتماعی ضعیف و سست در شروع فعالیت‌ها هستند. آنها خواسته‌های بالایی را برای شکل دهی رفتار فرزندانشان دارند که اغلب شدید بوده و با اعمال قدرت همراه است. این والدین تمایل دارند که بر فرزندانشان کنترل بیشتری داشته باشند تا اینکه بخواهند بر آموزش و تربیت آنها نظارت کنند آنها فرزندانشان را به مستقل بودن تشویق نمی‌کنند. همانند والدین دارای اقتدار منطقی در تاکید بر قوانین ثابت قدم هستند ولی نمی‌خواهند که در مورد قوانین با فرزندانشان بحث کنند، و بر این عقیده اند که فرزندان باید آنچه را که آنها می‌گویند، بدون چون و چرا انجام دهند. به علاوه آنها در گرم بودن و (پاسخگو بودن) در سطح پایینی قرار دارند. این والدین به نظرات فرزندانشان علاقه‌ای ندارند و در عوض از آنها میخواهند تا به نظرات و قوانین آنها احترام بگذارند (خسروجردی، ۱۳۹۵) (قهاری، ۱۴۰۰، ص ۳۸) همچنین، این والدین در عین حال که پاسخدهی پایینی به نیازهای جسمی و روحی فرزندانشان دارند، سطح توقع بالایی از آنها جهت اجرای قوانین و مقررات دارند.

سبک سهل گیرانه

الگوی این سبک به شکل ( کنترل کم - محبت زیاد - پاسخدهی بالا - توقع پایین) است.

به معنای نادیده گرفتن اصل تفاوت‌های فردی است. اگر بپذیریم که هر انسانی با دیگری متفاوت است و اثر انگشت هیچکس با دیگری شبیه نیست در این صورت متوجه خواهیم شد که هر کودکی در نوع خود منحصر به فرد و یکتاست و نباید او را با کس دیگری مقایسه کرده. مقایسه کردن فرزند با دیگران بذر تردید به خود را در ذهن آنان می‌کارد و این باور را در آنها شکل می‌دهد که «من خوب نیستم، دیگران از من بهتر هستند و...» این باور می‌تواند تا سالیان سال با فرد همراه باشد و بر تمام انتخاب‌های مهم فرد، شیوه زندگی و احساس او نسبت به خود تاثیر بگذارد. بهترین حالت این است که عملکرد فعلی فرزندان را با عملکرد گذشته‌اش مقایسه کنید. به این ترتیب فرزندان انگیزه بیشتری برای تغییر و پیشرفت می‌یابد و اعتماد به نفس بیشتری کسب می‌کند. (همان، ص ۹۷)

۷. کمال گرایی:

والدین کمالگرا انتظارات زیادی از فرزندان خود دارند و به همین دلیل هیچگاه از فرزندان خود راضی نیستند و در نتیجه فشارهای آنان، فرزندان از خود ناراضی می‌شوند از عزت نفس پایینی برخوردارند. وسواس، اضطراب، عزت نفس پایین و افسردگی از دیگر نتایج سختگیری بی‌اندازه والدین است. برخی از کودکان با الگوبرداری از والدین نسبت به خود سختگیر می‌شوند و به طرز وسواس گونه‌ای از خود انتظار دارند که در هر کاری بهترین باشند و هرگز اشتباه نکنند. والدین سختگیر و کمال گرا باید بدانند که کمال گرایی یک ویژگی پرخطر محسوب می‌شود و ضروری است برای تعدیل این ویژگی با روانشناس تماس بگیرند. آن‌ها باید بدانند که کودکان حق اشتباه کردن دارند و اشتباه کردن یکی از راه‌های یادگیری است اما آنچه اهمیت دارد، این است که به آنها آموزش دهیم تا اشتباهات خود را تکرار نکنند. (قاقهاری، ۱۴۰۰، ص ۱۰۲)

#### ۶. نظارت صحیح بر فرزندان :

دram کنترل وزیر نظر داشتن رفتار کودکان به نکاتی باید توجه کنیم که اهم آن‌ها بدین قرارند:

۱. مراقبت و نظارت از کودک به گونه‌ای نباشد که او احساس کند همه آزادی‌های او از میان رفته است

۲.والدین به بهانه مشارکت در بازی کودک گاه و بیگاه خود را بالای سر کودک برسانند و وضع او را ببینند.

۳.در مواردی که خطایی از کودک سر می‌زند ضمن نشان دادن نقطه‌های خطا تعلیمات لازم را به او بدهند .

۴.کودک برای خود دنیایی دارد و امور او را از زاویه خاص خود می‌بیند به این دید او باید توجه کرد.

۵.آنچه مهم است داشتن مناسبات انسانی با کودک است و کنترل برای هدایت است نه به دام انداختن او .

۶.خیال بافی‌ها رویاها ناشی از اضطرابی است که درون او را می‌خورد بپوشید منشأ او را پیدا کنید.

۷.گاهی طفل در تنهایی سرگرم گریه است در چنین مواردی زیاد از او دلیل نخواهید مگر آنکه گریه مداوم شود

اگر لغزشی در تنهایی از او سر زده شرمسارش نکنید بلکه هدایتش نمایید .

۸.اگر کودک خطایی مرتکب شد از شما بخشش طلبید او را ببخشید.

۹.هرگز عملکرد تنهایی او را در حضور غیر به رخس نکشید و او را رسوا نسازید. (قائم‌امیری، بی تا، ص ۱۷۰ و ۱۷۱)

۱۰.احترام گذاشتن : طوری با کودک حرف بزنید که دوست دارید او با شما چگونه حرف بزند.

۱۱.از غر زدن ، مسخره کردن، تحقیر کردن کودک، متهم اجتناب کنید .

۱۲.قضاوت زودهنگام نکنید .

۱۳.از کودک خرده نگیرید و خطاهای جزئی را نادیده بگیرید .

۱۴.اختصاص دادن زمانهایی مکرر، کوتاه مدت و با کیفیت برای تعامل با کودک.(حمید و ناهید وظیفه شناس، ۱۳۹۶، ص ۱۰۲)

## نتیجه گیری:

خانواده به عنوان نهاد بنیادی اجتماعی، نقش حیاتی در شکل گیری شخصیت و رفتار فرزندان ایفا می کند. نتایج این تحقیق نشان می دهد که سبک های مختلف فرزند پروری تأثیرات عمیقی بر ابعاد مختلف زندگی فرزندان دارند. والدین با انتخاب سبک های تربیتی مناسب، می توانند به رشد سالم و متعادل فرزندان کمک کنند و از انحطاط آنها جلوگیری نمایند.

خواندیم که سبک های فرزند پروری مستبدانه و بی تفاوت به طور قابل توجهی می توانند منجر به ایجاد مشکلات رفتاری در فرزندان شوند و باعث شوند که فرزند احساس کند حامی و پشتیبانی ندارد و همین امر باعث ایجاد احساس سرشکستگی و خشم در او شود. همچنین، سبک سهل گیرانه، اگرچه با محبت زیاد همراه است، اما به بی نظمی و عدم قانونمندی اجتماعی فرزندان منجر می شود و گاهی جایگاه والد و فرزند را جا به جا می کند که همین امر تعادل خانواده را به هم ریخته و باعث ایجاد نا بهنجاری ها می شود. در نهایت، سبک مقتدرانه که ترکیبی از محبت و کنترل منطقی است، به عنوان بهترین روش فرزند پروری شناخته می شود. این سبک به فرزندان کمک می کند تا احساس ارزشمندی و اعتماد به نفس را تجربه کنند و مهارت های اجتماعی لازم را برای موفقیت در زندگی کسب نمایند، همچنین، این سبک از فرزند پروری یک الگوی رفتاری متعادلی را در حیطه تربیت جنسی فرزندان ارائه می دهد که فرزندان متناوب با سن و توان خود با این موضوع آشنایی یابند.

بنابراین، والدین باید به اهمیت انتخاب سبک های مناسب فرزند پروری توجه کنند و با ایجاد محیطی حمایتی و منظم، به رشد روانی، اجتماعی و جنسی فرزندان خود کمک کنند. در نهایت، این مقاله بر ضرورت توجه به تعادل در ارائه محبت و انضباط در فرزند پروری تأکید می کند، چرا که این تعادل می تواند زمینه ساز تربیت فرزندان موفق و سازگار در جامعه باشد.



## فهرست منابع

۱. امینی، ابراهیم، ۱۳۹۴، تربیت، موسسه بوستان کتاب
۲. احمد پناهی، علی، ۱۳۹۸، با دخترم، قم، انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)
۳. برک، لورا، ۱۴۰۰، روانشناسی رشد (نوجوانی تا پایان عمر)، یحیی سید محمدی، ج ۲، تهران، نشر ارسباران
۴. بلیاد، محمد رضا، احدی، حسن، تاثیر سبک های فرزند پروری بر میزان پر خاشگری جوانان
۵. سیاه، علی، سبک های فرزند پروری، انتشارات موجک
۶. غلامی، طوبی، نقش مادر در تربیت فرزند در دوران نوجوانی، ۱۳۶۸
۷. قائمی امیری، علی، مجموعه بحث ها در زمینه خانواده و تربیت کودک، بی تا
۸. قهاری، شهربانو، ۱۴۰۰، والدین و فرزند پروری، چاپ اول، تهر، نشر دانژه
۹. وظیفه شناس، حمید، ناهید، ۱۳۹۶، خانواده همسر داری فرزند داری، آذرین مهر
۱۰. گینات، هایم، والدین و تربیت فرزند، فروزان گنجی زاده، نشر دات
۱۱. عبدالعلیان، معصومه، نقش والدین در مراقبت از کودک نونهال از ۳ تا ۶ سالگی

